روزنامه گیلان امروز

پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۰ | ۲۹ شوال ۱۴۴۲ | ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱

گیلان امروز

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی گیلان

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: **محمدکاظم شکوهی راد**

رشت - خیابان آیت ا... احسان بخش (صیقلان - تختی) ساختمان توسکا طبقه ۳ کدپستی: ۴۱۷۳۷۳۸۰۳۳

تلفن: ۳۲۲۶۸۱۱۲ -۳۲۲۶۸۱۱۵ فکس : ۳۲۲۶۸۱۱۴

لیتوگرافی و چاپ: شرکت چاپ و نشر نوین تلفن: ۳۳۲۲۴۰۷۶-۳۳۲۲۴۷۲۷

http://gilan-today.com

پست الکترونیک: gilantoday@gmail.com

امروز و هر روز با گیلان امروز

۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۳ ۰۱۳۳۲۲۶۸۱۱۵

Gilan-today.com

همکاران گیلان امروز :

وحید اسماعیلی (مسئول تحریریه)، حسین عنبری، سعید سیمیاری، علیرضا خانی، احمد خدمتگزار

نسرین شکوهی راد، وحیده اسماعیلی، شهلا ابراهیم زاده، فرشته فتوحی، سمیرا بشارت

شهرستانها : یاشار مقدم، یدالله کشاورز و محبوبه شالی

کشورهایی که به دلایل جالبی نام خود را تغییر دادند

گیلان امروز– در گزارش زیر درباره کشورهایی صحبت خواهیم کرد که نام خود را تغییر داده اند و به ماجرایی که در پشت این تصمیم وجود داشته خواهیم پرداخت.

نامگذاری کشورها با عوامل زیادی در ارتباط است و هرچند نام برخی از آن‌ها باستانی است، مثلاً کشور مصر و بعضی دیگر که برای درک آن نیازی به فکر کردن ندارد مانند ایالات متحده، اما نام شماری از کشورها داستان‌ها و ایدئولوژی‌های دیگری دارد، بنابراین آن‌ها اغلب نام‌هایی هستند که در معرض تغییرند و این همان چیزی است که امروز در گزارش خود در مورد آن صحبت خواهیم کرد. عوامل دیگری که ممکن است منجر به تغییر نام شود عوامل سیاسی هستند. این کشورها ممکن است تحت استعمار بوده باشند و بعد از پایان استعمار برای تسلی زخم اشغالگران، نام خود را تغییر دهند. دلیل سیاسی ممکن است داخلی باشد تا حوادث ناخوشایند تاریخ خود را پاک کند. امروز چند کشور را که قبلاً موفق شده‌اند نام خود را تغییر دهند و دلایل آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۱. کامبوچای سابق – در حال حاضر کامبوج

نام این کشور از ۱۹۵۳ تا ۱۹۹۵، پنج بار تغییر یافت و این تغییرات به شرح زیر بود: اولین تغییرات در سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۷۰ صورت گرفت، و پادشاهی کامبوج نامیده شد، سپس نام در ۱۹۷۰ نام آن تغییر یافت و سال ۱۹۷۵ به جمهوری خمر تبدیل شد، متعاقباً تحت حکومت کمونیستی قرار گرفت و نام آن به کامپوچای دموکراتیک تغییر پیدا کرد. بعدا این کشور تحت نظارت سازمان ملل وارد مرحله انتقالی شد و بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ دولت کامبوج خوانده شد و در سال ۱۹۹۳ به سلطنت و نام قدیمی خود، پادشاهی کامبوج برگشت؛ اما خمرها - پیروان حزب کمونیست - خود را کامپوچئی‌ها می‌نامند که به معنای فرزندان شاهزاده (کامپو) است. شایان ذکر است که کلمه کامبوج در اصطلاح غلط فرانسوی کلمه کامپوچا است.

۲. برمه سابق – اکنون میانمار

این کشور با هر دو نام شناخته می‌شود، اما امروز به طور رسمی به آن «جمهوری اتحادیه میانمار» گفته می‌شود. نام رسمی به انگلیسی توسط دولت این کشور تغییر یافت، و از اتحادیه برمه به اتحادیه میانمار در سال ۱۹۸۹ تبدیل شد و این تغییر در نتیجه یک واقعه غم انگیز در سال ۱۹۸۸ رخ داد، هنگامی که ارتش به طرز وحشیانه‌ای یک شورش طرفدار دموکراسی را سرکوب کرد و یک سال بعد برمه به یک کشور منزوی در سطح بین المللی تبدیل شد به طوریکه نام آن سرکوب را به ذهن مردم دنیا متبادر میکرد، بنابراین برمه به راه‌حلی برای بهبود چهره خود احتیاج داشت. به امید دستیابی به مشروعیت بین المللی مقامات برمه ادعا کردند که نام موروثی برمه به گذشته استعماری این کشور اشاره دارد و بسیاری از اقلیت‌های قومی این کشور را شامل نمیشود، بنابراین آن‌ها تصمیم گرفتند نام کشور خود را به میانمار تغییر دهند.

۳. کرانه شرقی سابق – اردن کنونی

انگلیس‌ها در جنگ جهانی اول منطقه را تصرف کردند و تصمیم گرفتند آن را به سه قسمت عجلون، بالقا و کراک تقسیم کنند. پس از مدتی، پادشاه هاشمی، عبدالله اول بر همه مناطق حکومت نمادین پیدا کرد. در سال ۱۹۲۲، این منطقه به عنوان امارت ترنس‌جردن شناخته شد؛ بنابراین نام آن تغییر یافت. آخرین بار در سال ۱۹۵۲ به پادشاهی هاشمی اردن تغییر نام یافت. از اردن به عنوان پادشاهی هاشمی یاد می‌شود از آنجا که توسط خانواده هاشمی اداره می‌شد، و به اختصار به آن اردن می گویند.

۴. حبشه سابق – اکنون اتیوپی

امپراتوری اتیوپی، همچنین به حبشه معروف است در سراسر منطقه جغرافیایی ایالات فعلی اتیوپی و اریتره گسترش یافته است. در سال ۱۲۷۰ توسط حبشی‌های سلسله سلیمان تاسیس شد که منجر به نامگذاری کل کشور به حبشه شد. حبشی‌ها تا قرن بیستم بدون وقفه بر این قلمرو حکومت می‌کردند. در طی جنگ جهانی دوم توسط هایل سلاسی، دهمین پادشاه اتیوپی نام این کشور از حبشه به اتیوپی تغییر یافت. برخی از محققان استدلال می‌کنند که اتیوپی از قرن چهارم به همین نام خوانده می‌شود، نام حبشه در میان اعراب رایج بوده و اتیوپی از نظر جغرافیایی بزرگتر از حبشه است.

۵. قبلا بچوانا – امروزه بوتسوانا

این کشور در جنوب صحرای آفریقا در جنوب آفریقا واقع شده است، و قبلا بخشی از انگلیس بود و در آن زمان به عنوان سرزمین بچوانا BECHUANA شناخته می‌شد. بوتسوانا نام جدید خود را پس از استقلال در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۶ به تصویب رساند، نام جدید آن از بزرگترین گروه قومی این کشور، تسوانا گرفته شده است.

۶. سیلان سابق، اکنون سریلانکا

از سال ۱۸۱۵ تا سال ۱۹۴۸، این کشور تحت استعمار انگلیس قرار گرفت، که آن را سیلان نامید و این نام تلفظ انگلیسی «سیلاو» است، نامی که در طول استعمار پرتغال به این کشور داده بود. نام سریلانکا برای اولین بار در جنبشی که خواستار آزادی کشور در اوایل قرن بیستم و از بین بردن آخرین آثار استعمار انگلیس در این کشور بود، پدیدار شد.

۷. زائیر سابق، اکنون جمهوری دموکراتیک کنگو

جمهوری دموکراتیک کنگو رسماً با چندین نام شناخته شده‌است: مانند ایالت آزاد کنگو، بلژیک کنگو و لئوپولدویل. اما این کشور استقلال خود را در سال ۱۹۶۰ به دست آورد و پس از آن، رسما به جمهوری کنگو (برگرفته از رود کنگو) روی آن گذاشته شد.. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱، نام این کشور به جمهوری دموکراتیک کنگو تغییر یافت و در سال ۱۹۷۱، رئیس جمهور «موبوتو سسه سه‌کو» آن را جمهوری زائیر نامید. اگرچه کنگره ملی مستقل در سال ۱۹۹۲ به تغییر نام این کشور به جمهوری دموکراتیک کنگو رأی داد، اما این تغییر تا ۱۹۷۷ پس از سقوط موبوتو رخ نداد.

۸. ولتای علیا (قبل) – بورکینافاسو (امروزی)

بورکینافاسو که به طور رسمی به عنوان ولتای علیا شناخته می‌شد، در غرب آفریقا واقع شده است. رئیس جمهور توماس‌سانکارا نام آن را در آگوست سال ۱۹۸۴ تغییر داد و از دو کلمه: بورکینا و فاسو، که از دو زبان اصلی کشور گرفته شده است، نام ترکیبی برای آن انتخاب کرد.

استعمارگران فرانسوی نام آن را ولتای علیا برگرفته از نام رودخانه ولتا که از داخل کشور می‌گذرد، گذاشته بودند. اما کلمه بورکینا در زبان مردم موری به معنای «مردم شریف» است، در حالی که فاسو در زبان قوم دیولا به معنی «خانه پدر» است و هنگامی که این دو کلمه با هم جمع می‌شوند، معنی نام این کشور «خانه پدری مردمان شریف» می‌شود.

۹. داهومی سابق، بنین امروزی

داهومی قبل از استعمار، پادشاهی قدرتمندی بود که در غرب آفریقا در جمهوری بنین کنونی تاسیس شد. این پادشاهی همچنین شامل منطقه توگو امروزی و برخی از مناطق جنوب غربی نیجریه بود. پادشاهی داهومی به خاطر مبارزان زن ماهری که به عنوان محافظان پادشاه خدمت می‌کردند، مشهور بود. نام این کشور تا پانزده سال پس از استقلال تغییر نکرد، بنابراین نام آن در سال ۱۹۷۵ با رهبری «متیو کرکو» از داهومی به جمهوری بنین تغییر یافت.

حقایقی جالب و کمتر شنیده شده در مورد بلاروس که احتمالاً نمی‌دانستید

گیلان امروز– کشور بلاروس در ماه‌های اخیر بارها و بارها در صدر اخبار بین المللی قرار گرفته است و همین موضوع باعث شده بسیاری از جهانیان به دنبال اطلاعاتی بیشتر در مورد این کشور نسبتاً منزوی و بی سروصدا باشند. کشور بلاروس برای بسیاری از افراد کشوری مجهول و کمتر شناخته شده بوده که اطلاعات زیادی در مورد آن وجود ندارد. در ادامه این مطلب قصد داریم شما را با واقعیاتی جالب و کمتر شنیده شده در مورد کشور بلاروس آشنا کنیم.

۱- بلاروس کشوری نسبتاً تازه شکل گرفته است

همانند دیگر کشورهای اروپایی، بلاروس منطقه‌ای است که از دیرباز سکونتگاه مردمان بومی خود بوده، اما کشوری که اکنون جمهوری بلاروس نام دارد، کشوری نسبتاً تازه شکل گرفته است. این کشور در ۲۵ مارس سال ۱۹۱۸ اعلام استقلال کرد. این اتفاق زمانی رخ داد که این کشور بدون دسترسی به دریا استقلال خود را از روسیه اعلام کرد در حالی که تا قبل از آن بخشی از کشور وسیع روسیه بود. اما استقلال بلاروس به طور رسمی برای مدت‌ها به رسمیت شناخته نشد. در اواخر سال ۱۹۹۱ و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که جمهوری‌های بسیاری استقلال خود را اعلام کردند. این اتفاق در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ برای بلاروس رخ داد. یک روز پس از کریسمس آن سال، استقلال بلاروس از شوروی به رسمیت شناخته شده و در مارس ۱۹۹۴ اولین قانون اساسی این کشور تصویب شد.

۲- بلاروس خانه آخرین رشته از جنگل‌های باستانی در اروپاست

یکی از بدترین فجایع طبیعی سال‌های اخیر در اروپا، از دست رفتن جنگل‌های باستانی است، مشکلی که البته تنها منحصر به قاره سبز نبوده است. اما بخش بزرگی از خاک بلاروس از جنگل تشکیل شده و این کشور خانه بزرگ‌ترین جنگل باستانی در اروپا به شمار می‌آید. در واقع جنگل‌های باستانی بیش از ۴۰ درصد از خاک این کشور که معادل ۲۰۷۶۰۰ کیلومتر مربع است را به خود اختصاص داده است. بزرگ‌ترین جنگل بلاروس، بلووژسکایا پوشکا نام دارد که خانه بوفالو اروپایی و گیاهان و جانوران بومی بسیار دیگری است. بسیاری از درختان بلوط این جنگل بیش از ۶۰۰ سال عمر دارند و از سال ۱۹۹۲، این جنگل به عنوان بخشی از میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

۳- بلاروسی‌ها شیفته سیب زمینی هستند

در حالی که در دنیا نام ایرلندی‌ها به دلایل مختلف با سیب زمینی عجین شده است، کشور بلاروس کشوری است که مردم آن بالاترین سرانه مصرف سیب زمینی را در جهان دارند. این سبزی پرمصرف و پرکاربرد در بلاروس بسیار محبوب بوده و هر شهروند سالانه ۱۸۰ کیلوگرم از آن را مصرف می‌کند. این در حالی است که سرانه مصرف سیب زمینی در ایرلند تنها ۶۸ کیلوگرم تخمین زده می‌شود. اگر چه مردم بلاروس از سیب زمینی غذاهای متنوعی درست می‌کنند، اما پنکیک سیب زمینی محبوب‌ترین غذایی است که مردم این کشور می‌خورند. این غذا که در زبان بلاروسی «درانیکی» نام دارد بسیار شبیه پنکیکی است که در دیگر کشورها یافت می‌شود، اما در بلاروس انواع مختلفی با طعم‌های متنوعی از آن وجود داشته و معمولاً با یک سس خامه‌ای ترش سرو می‌شود. با وجود این میزان مصرف سیب زمینی، بلاروس بزرگ‌ترین تولید کننده آن نیست، اما انواع مختلفی از سیب زمینی در این کشور کاشت می‌شود.

۴- نرخ باسوادی در بلاروس بسیار بالاست

شاید فکر کنید به عنوان یک کشوری که در گذشته جزو اتحاد جماهیر شوروی بوده نباید انتظار کشوری باسواد بالا را از بلاروس داشته باشیم، اما در واقعیت چنین نیست. نرخ سواد در بلاروس ۹۹.۷۶ درصد است که نرخ بسیار بالایی بوده و حتی از نرخ باسوادی در ایالات متحده نیز بالاتر است. نرخ سواد در ایالات متحده ۹۹ درصد بوده که پایین‌تر از بلاروس قرار می‌گیرد. اولین کتاب در شرق اروپا چاپ شده که PSALTER نام داشته و در قرن شانزدهم توسط فرانسیسک اسکارینا چاپ گردید. او اولین ناشر در منطقه کوچکی بود که امروزه با نام بلاروس شناخته می‌شود. به همین خاطر اسکارینا یکی از مشهورترین چهره‌های تاریخی این کشور به شمار می‌آید. در سال ۲۰۱۵، سوتلانا الکسیویچ که برنده جایزه نوبل ادبیات شد، اولین نویسنده بلاروسی بود که به این افتخار دست می‌یافت.

۵- بلاروس یک مقصد توریسم درمانی است

بلاروس مانند بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی دارای سیستم درمانی رایگان برای شهروندان است. هزینه‌های درمانی در این کشور تقریباً رایگان بوده و از چکاپ‌های سالانه تا جراحی قلب، جراحی اعصاب، دارو، عمل پیوند و ... را شامل می‌شود. به همین دلیل بلاروس به یک مقصد گردشگری درمانی تبدیل شده است. به طور متوسط، سالانه ۲۰۰،۰۰۰ خارجی برای درمان با هزینه اندک یا کاملاً رایگان به بلاروس سفر می‌کنند. بیشتر مراکز درمانی در بلاروس دولتی بوده و دائماً در حال تغییر و اصلاح هستند. اگر چه هزینه درمان در بلاروس رایگان است، اما دریافت رشوه برای مراقبت بیشتر در بیمارستان‌های این کشور امری عادی است، اما کمتر به شکل پول انجام می‌شود. در این موارد معمولاً هدیه نقش رشوه را دارد.

۶- در بلاروس شخصیت‌های تاریخی بسیاری محترم شمرده می‌شوند

اگر از کسی بپرسید یک شخصیت مشهور بلاروسی را نام ببرد بعید است پاسخ درستی بشنوید. اما بلاروسی ها، اگر چه خود شخصیت چندان شناخته شده‌ای در مقیاس جهانی ندارند، برای ولادیمیر لنین احترام بسیاری قائل بوده و در هر شهر این کشور خیابانی به نام او نامگذاری شده است. بلاروس روزگاری خانه مردی بود که تاریخ جهان را تغییر داد. لی هاروی اسوالد، قاتل جان اف کندی، نیز از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ در این کشور زندگی می‌کرده است. او با یک زن بلاروسی ازدواج کرده و از وی صاحب دو فرزند دختر نیز شد. پاول سوخوی یک مهندس مشهور هواپیما در دوران اتحاد جماهیر شوروی بود اصالتی بلاروسی داشت و مارک چاگال یکی از مشهورترین هنرمندان این کشور به شمار می‌آید. مادر لری کینگ اهل مینسک و پدرش اهل پینسک است و دو رییس جمهور اسراییلی نیز در بلاروس به دنیا آمده اند. لویی بارت مایر که بعدها کمپانی مترو گلدوین مایر و آکادمی اسکار را بنیان نهاد نیز در شهر مینسک بدنیا آمده است. پدربزرگ و مادر بزرگ هریسون فورد نیز از بلاروس به ایالات متحده مهاجرت کرده بودند. از دیگر سلبریتی‌های با ریشه بلاروسی می‌توان به مایکل داگلاس، رالف لورن و اسکارلت جوهانسون اشاره کرد.

۷- انتخابات ریاست جمهوری در بلاروس

از زمان تاسیس جمهوری بلاروس، این کشور توسط یک نفر اداره شده است: الکساندر لوکاشنکو. در سال ۱۹۹۴، لوکاشنکو که در سال‌های پایانی دوران اتحاد جماهیر شوروی رهبری بلاروس به عنوان بخشی از این اتحاد را بر عهده داشت، در سال ۱۹۹۴ به عنوان اولین رییس جمهور رسمی این کشور انتخاب شده و از آن زمان به بعد این مقام را در اختیار دارد. انتخابات ریاست جمهوری در بلاروس به شکل مرتب انجام نمی‌شود و بعد از سال ۱۹۹۴، در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۲۰ شاهد انتخاباتی بوده ایم که برنده همه آن‌ها لوکاشنکو بوده و هر بار بیش از ۸۰ درصد آرا به وی رسیده است. در سال ۲۰۲۰، اما بسیاری از مخالفان سیاسی نتیجه اعلام شده را نپذیرفتند و اعتراضات گسترده‌ای در این کشور صورت گرفت. با این وجود، لوکاشنکو این بار به شکل مخفیانه سوگند یاد کرد در حالی که در سال‌های قبل برای این کار مراسم بسیار بزرگی برگزار می‌شد.

به بهانه مدیر عاملی « **ابراهیم دانشمند**» در انجمن حمایت زندانیان لاهیجان

انسانهای شریف با دلشان می بخشند نه با مالشان

گیلان امروز ، یدا...کشاورز– انسانهای زیادی در این کره خاکی زندگی می‌کنند که انجام کارهای نیک و خداپسندانه خود در حق دیگران را خدمت و وظیفه تلقی می‌کنند و نه تنها انتظار سپاسگزاری و تشکر از کسی ندارند بلکه اعتقاد دارندکه نیکی آن نیست که فقط ثروت خود را با دیگران تقسیم کنی بلکه باید غنای درونی انسانیت خود را برای دیگران آشکار سازی همچنان که مولانا به زیبایی می‌گوید: دنیا همه هیچ و اهل دنیا همه هیچ، ای هیچ برای هیچ و بر هیچ مپیچ، دانی که پس از عمر چه ماند باقی؟ مهر است و محبت است و باقی همه هیچ.

شهروندان لاهیجی سالها شاهد هستند که بزرگ مردی در این شهرستان زندگی می‌کند که تقریبا چراغ خاموش به خانواده‌هایی خدمت می‌کند که سرپرست خانواده شان را به هر دلیلی نزد خود ندارند اما این مرد بزرگ و عزیز مصداق آن جمله زیبایی شده که بخشیدن نه غنای مالی می‌خواهد نه ثروت نجومی بلکه بخشیدن حس انساندوستی است که انسانهای شریف با دلشان می بخشند نه با مالشان، بله او انسانیت را مذهبش کرده و باور دارد که انسان باید تا زنده است به هم نوع خود خوبی و بخشش کند حال به هر ماوراءالطبیعه‌ای که باور داشته باشد یا باور نداشته باشد.

بله ابراهیم دانشمند در طول این سالها همچنان‌که از حکم مدیرکل اقدامات حمایتی زندانهای مرکز برایش رقم خورده در طول سالهای مسئولیت خود همواره با گسترش ارایه خدمات حمایتی به خانواده‌های زندانیان و رفع نیازهای اساسی و اولویت‌دار این قشر آسیب پذیر عزت نفس این خانواده ها را در طول این سالها ارتقا بخشیده که نتیجه و ماحصل آن پیشگیری خانواده‌های زندانیان از آسیب های اجتماعی و استحکام بنیه اقتصادی و اجتماعی آنان شده و بی‌چشمداشت همچنین باعث پرورش استعدادهای فرزندان آنها شده و مصداق آن شعر زیبایی شده که تو نیکی می کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز.

کشکول

ماجرای عکسی که این روزها در اینترنت داغ شد

آندرس آراتو کیست؟

گیلان امروز– اگر اهل فضای مجازی هستید حتما این روزها تصویر این مرد را زیاد دیده اید. شخصی که تصویرش به یک میم اینترنتی تبدیل شده و در صفحات مجازی برای نشان دادن ناکامی‌ها و اتفاقاتی که با پیش بینی اولیه تفاوت فاحش داشته اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شخص آندرس آراتو (ANDRÁS ISTVÁN ARATÓ) نام دارد؛ یک مهندس برق بازنشسته اهل مجارستان که در دوران بازنشستگی به فوتوشوتینگ و مدلینگ روی آورده است. در ادامه این مطلب ماجرای عکس پر طرفدارش را از زبان خود او می‌خوانید.

۱۰ سال پیش عکس خودم را در گوگل سرچ کردم و نتیجه من را به شدت شوکه کرد. متوجه شدم که تصویرم به یک میم اینترنتی تبدیل شده است. کاربران فضای مجازی از لبخند من و نگاهی که در چشمانم بوده تصور کرده بودند که من غمگین هستم و برای همین زیر عکس هایم اینطور می‌نوشتند:

غمت را پنهان کن هرولد

این عکس را من حدودا یک سال قبل از این ماجراها (یعنی یازده سال پیش) گرفته بودم؛ درست زمانی که هنوز به عنوان مهندس برق کار می‌کردم. یک عکاس حرفه‌ای بعد از آنکه عکس هایم را در فیسبوک دیده بود با من تماس گرفت و گفت بدنبال کسی شبیه به من است تا در عکس هایش به عنوان مدل از او استفاده کند. من هم که عاشق این کار بودم با خوشحالی پذیرفتم. عکاس من را به استودیویی در نزدیکی خانه ام در بوداپست دعوت کرد و ما عکس‌های مختلف از زوایای گوناگون و در لوکیشن‌های مختلف گرفتیم و او در مدت دو سال همکاری مان صدها عکس از من برای پروژه‌های مختلفش گرفت. من تصور می‌کردم که قرار است شرکت‌ها و وبسایت‌های مختلف از این عکس‌ها استفاده کنند، اما اصلا انتظار رواج یافتن این میم‌های اینترنتی را نداشتم. بعد از مدت کوتاهی متوجه شدم که مردم روی عکس هایم متن‌هایی را می‌نویسند و در مورد همسرهایشان می‌گویند که ترکشان کرده اند یا از سرقت هویت شان در فضای آنلاین و خالی شدن حساب‌های بانکی شان صحبت می‌کنند. در واقع آن‌ها از عکس‌های من استفاده می‌کردند، چون تصورشان این بود که عکس من لبخندی همراه با ناراحتی است و اصطلاحا «خنده تلخی» بر لب دارم.

بعد از آنکه این میم‌های اینترنتی در فضای مجازی پخش شد، روزنامه نگاران شروع به تماس گرفتن با من کردند و از من میخواستند که برای مصاحبه به منزلم بیایند. همسرم، اما زیاد خوشحال نبود و به نظرش این مصاحبه‌ها زندگی خصوصی مان را مختلف کرده بودند و اصلا از اتفاقاتی که برای عکس هایم افتاده بود خوشحال نبود. بعضی‌ها حتی اصلا باور نمی‌کردند که این عکس‌ها واقعی باشند و من وجود داشته باشم. در واقع به نظرشان من یک عکس فوتوشاپی هستم و حتی یادم هست که یکنفر تماس گرفت و از من مدرک می‌خواست که ثابت کنم واقعی هستم.

می‌دانستم که می‌شود جلوی درست شدن این میم‌ها را بگیرم، اما بیشتر از این ناراحت بودم که صفحات متعددی در فیسبوک با عکس من درست شد و خیلی‌ها وانمود کردند که صفحه متعلق به من است. این صفحات توانستند در کوتاه‌ترین زمان صدها هزار دنباله کننده برای خود پیدا کنند و آن زمان بود که من تبدیل به یک جور برند شدم و اگر از این برند استفاده نمی‌کردم خیلی‌ها به عقلم شک می‌کردند. به همین خاطر در سال ۲۰۱۷ صفحه هواداران خودم را در فیسبوک (برای مشاهده صفحه او روی لینک کلیک کنید) درست کردم و با ویدیوها و استوری‌هایی از سفرهایم آن را به روز می‌کنم.

به تدریج مردم متوجه شدند که مالکیت این میم‌ها متعلق به من است و با من تماس می‌گرفتند و کار پیشنهاد می‌دادند. حتی در یک پیام بازرگانی تلویزیونی نیز به من نقش دادند. در یکی از این آگهی‌ها که من در آن نقش یک فروشنده ماشین مجارستانی را بازی می‌کردم مثلا به آلمان سفر می‌کنم تا یک ماشین دست دوم بخرم و ماشین در اواسط راه خراب می‌شود. برند صاحب آگهی در پیام بازرگانی اینطور به مخاطب القا می‌کرد که اگر ماشین را از خود کمپانی می‌خریدم این مشکلات برایم پیش نمی‌آمد. پولی که از بابت آن آگهی گرفتم زندگی ام را تغییر داد و حتی همسرم هم دیگر نظرش را عوض کرد.

حالا زندگی ام دگرگون شده و مردم مرتب از من خواهش میکنند ماجرای ین عکس و زندگی ام را برایشان بگویم. حتی یک تیم فوتبال من را به انگلستان دعوت کرد تا ویدیویی در مورد شهر منچستر با بازی من بسازد. شرکت آلمانی OTTO هم که از غول‌های صنعت پست محسوب می‌شود از من خواسته تا در آگهی‌های بازرگانی شان بازی کنم. گروه موسیقی راک CLOUD ۹+ در مجارستان نیز ترانه‌ای به اسم دردت را پنهان کن منتشر کرده و من در آن ویدیو بازی کرده ام.

سال گذشته بیشتر از ۲۰ پرواز از بوداپست به شهرهای مختلف دنیا داشتم: از اروپا و روسیه گرفته تا آمریکای جنوبی. ماه پیش هم به شیلی و کلمبیا سفر کردم تا در چند برنامه تلویزیونی شرکت کنم و آن وقت اولین باری بود که احساسم کردم یک سلبریتی هستم. هر بار که در خیابان قدم می‌زدم جمعیتی دورم جمع می‌شد و سازمانی که مرا دعوت کرده بود برایم بادی گارد هم می‌فرستاد.